

به سوی بازتعریفی جامع تر از توسعه دینی

نسبت حیات طیبه و توسعه دینی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر
حسن علی اکبری
(عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع))

۱- مقدمه

گرچه در یک نگاه کلی توسعه را وضعیتی با امکان دسترسی هر چه بیشتر و بهتر به کالا و خدمات دانسته‌اند که در آن سطح زندگی و استانداردهای بهره‌مندی از مواهب طبیعی را افزایش می‌دهد ولیکن ارائه‌ی یک تعریف واحد از آن بسیار مشکل می‌نماید زیرا:

۱. مفهوم توسعه از زمان شکل‌گیری تا کنون پیوسته در حال تحول بوده است و از رشد بمعنی تغییر کمی یک متغیر در طول یک دوره زمانی خاص شروع و امروزه سخن از توسعه‌ی پایدار و توسعه‌ی دین محور و امثال آن می‌باشد.

۲. هدف از توسعه نیز دائماً متفاوت ارائه شده است در آغاز توسعه کاملاً اقتصادی و با هدف ایجاد ثروت بوده و به تدریج بهبود وضع اجتماعی و توزیع عادلانه و ورود ابعاد اجتماعی همچون امکانات بهزیستی و آموزشی و بهداشت و مسکن و اشتغال و سپس ابعاد سیاسی و موضوعاتی از قبیل حقوق بشر آزادیهای سیاسی و دموکراسی و امثال آن را به عنوان هدف شاهد هستیم جنبه سلامت زیست محیطی و توجه به جنبه‌های فرهنگی همچون هویت و ارزشهای انسانی و الگوی زندگی کامل و توسعه‌ی انسانی و توسعه با محوریت انسان و اخلاق و ارزشهای متعالی او باعث طرح توسعه همه جانبه و توسعه‌ی اخلاقی و توجه به ابعاد جدیدتری در توسعه گردیده است.

۳. تفاوت‌های نظام سرمایه داری غرب (کاپیتالیسم) با نظام سوسیالیسم شرق در مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و وظیفه‌شناسی انتظارات جوامع از توسعه را متفاوت

نموده است و شکل گیری مباحث فراوانی را در باب توسعه باعث شده است. به طوریکه ارائه تعریف واحدی از توسعه را غیرممکن کرده است.

۴. تفاسیر متعدد از روند تحولات اقتصادی کشورها و تنوع الگوهای توسعه و ناسازگاری آنها با یکدیگر مشاجره های فراوانی را در مورد توسعه به وجود آورده است الگوی هسته در حال گسترش سرمایه داری الگوی ساختار گرایی کلاسیک الگوی نیازهای اساسی الگوی مائویسم الگوی نئوکلاسیک و سایر الگوهای کوچک و بزرگ از توسعه راه ارائه تفسیر واحدی از آن ناممکن ساخته است

۵. شاخص های ارائه شده برای توسعه و اختلاف نظر جدی در آنها به عنوان نماگرهای توسعه و وجود ابهامات در این شاخص ها نیز مزید بر علت گشته است. امروزه شاخصهایی همچون شاخص های زیر مطرح است تولید ناخالص ملی GNP، درآمد ملی سرانه، توزیع درآمدها (سهم دهکها و ضریب جینی)، وسعت فقر (سطح متوسط درآمد ملی و درجه نابرابری در توزیع درآمد)، دسترسی به بهداشت همگانی و آموزش عمومی، توسعه انسانی (کسب دانش با محاسبه نرخ باسوادی بزرگسالان، دسترسی به امکانات مادی لازم برای زندگی بهتر به محاسبه قدرت خرید، طول عمر توأم با سلامتی با محاسبه امید به زندگی)، تغییر در ساختار اقتصادی یعنی تغییر در سهم بخشی های خدمات، صنعت و کشاورزی، میزان تمرکز زدائی و مشارکت و شاخصهای ترکیبی همچون درجه انسجام ملی، سازگاری قومی و فرهنگی، تنشهای اجتماعی، تناسب و کفایت سرمایه های زیرساختی، وجود ابهامات در این شاخصها اختلاف نظرهایی را در مفهوم توسعه در پی داشته و دارد.

۶. پیامدهای منفی توسعه و شکل گیری آثار سوء و ناپهنجار توسعه همچون تنوع گرایی، لذت طلبی، اسراف و تبذیر در مصرف و تبلیغات، آلودگی محیط زیست، توزیع نابرابر درآمدها و تشدید فقر و گرسنگی و افزایش فاصله های طبقاتی و... نقد و نظرهای مختلفی را در باب توسعه به همراه آورده است.

۷. از توسعه در مفهوم غربی آن بویژه اقتصاد و توسعه نقدهای بسیار مهم و اساسی انجام گرفته است نقدهایی همچون:

- بی توجهی به حقوق بشر و مشارکت مردم در توسعه.

- عدم توجه یا ناکافی بودن میزان توجه به عوامل غیر اقتصادی در فرایند توسعه و همه

جانبه نبودن آن.

- عدم ملاحظه و احتساب و وزن لازم برای انسان در تعاریف موجود از توسعه.
- عدم جهانشمولی نظریه های اقتصادی غربی.
- عمومیت نداشتن نظریه های توسعه.
- پیامدهای منفی.
- عدم توزیع عادلانه درآمدهای ناشی از رشد اقتصادی.
- شکست الگوی اقتصاد لیبرال در غرب و مشکلات فراروی آن.

۸. سوالات اساسی در حوزه های مختلف علمی شکل گرفته که پاسخ قانع کننده ای برای همه آنها ارائه نشده است و در هر رشته علمی ابهاماتی را در مورد توسعه بوجود آورده است
سوالاتی نظیر اینکه :

- آیا توسعه یک هدف است یا یک وسیله؟
- آیا مفروضات بحث توسعه تأیید شده است؟
- یعنی آیا توسعه همیشه مطلوب است و باید به آن نگاه مثبتی داشت؟
- آیا خوشبینی به توسعه رواست؟
- آیا توسعه لزوماً به اصلاح وضع موجود می انجامد؟
- آیا توسعه به معنی مدرن شدن است؟
- آیا هر نوع تحول و پیش رفتن خوب است؟
- آیا توسعه به آرامش منجر می شود؟
- آرامش برای انسان مهمتر است یا راحتی و رفاه؟
- نقش قدرتها در توسعه و اهداف و مقاصد آنها از پیگیری توسعه در سایر کشورها چیست؟ - مطالعات انجام شده در مورد توسعه و ارائه نظریه های توسعه نیافتگی در دهه ۴۰ و ۵۰ در آمریکا چه اهدافی را دنبال نموده است؟
- آیا توسعه با هدف واقعی زندگی انسان هماهنگ است؟
- آیا اخلاق با توسعه و تکنولوژی سازگار است؟
- آیا علم با دین سازگار است؟
- و.....

همانگونه که ملاحظه می‌شود توسعه یک جریان چند بعدی است و ارتباط مفهومی و معنی داری با مفاهیم بسیاری از قبیل دگرگونی اجتماعی، جهان سوم، توسعه نیافتگی، نوسازی، کشورهای عقب نگه داشته شده و عمده مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی دارد، از همه مهمتر توسعه یک مقوله کاملاً ارزشی است و جهان بینی و ایدئولوژی های گوناگون در شکل دهی این مفهوم تعیین کننده هستند و نگاههای ارزشی انسانها در معرفی آن سهم اساسی دارد، از این رو تعاریف ارائه شده از توسعه بسیار متفاوت و متعدد بوده و ارائه یک تعریف واحد مشکل می‌باشد.

با این حال و با وجود همه موارد مذکور که حقیقتاً هر کدام جای تأمل و دقت و بررسی دارد، جمهوری اسلامی ایران بعنوان ام القرای جهان اسلام و با توجه به حالت الگوئی و اسوه بودن خود در این مقطع (وجعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس) و در پی وقوع انقلاب اسلامی و ادعای ارائه الگوی جدیدی از نظام مردمسالاری دینی ناگزیر از ارائه تعریفی از توسعه منطبق با آرمانها و اهداف خود می‌باشد زیرا هندسه نظام اسلامی در قالب قانون اساسی روشن شده و اهداف مرحله ای انقلاب نیز تعیین گردیده است.

(آرمانها و تعالیم اسلامی ← قانون اساسی ← چشم انداز بیست ساله ← سیاستهای کلی)

در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل. جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی^(۱) (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).
- دارای تعامل سازنده^(۲) و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

همانگونه که در متن این سند ملاحظه میشود توسعه یافتگی به عنوان بنیادی ترین مفهوم و هدف اصلی نظام تعیین شده و تقریباً همه مفاهیم بنیادی این سند پیوند عمیق و وثیقی با این مفهوم دارد و بر حول آن می گردد و معنی می یابد و لذا ضرورت دارد دیدگاه مشترکی در مورد این مفهوم حاصل شود و از توسعه، تعریف روشن و مورد قبول ارائه گردد.
علاوه بر ضرورت های مذکور بعنوان الهام بخشی و پیشتازی در عرصه ارائه مفاهیم جدید مبتنی بر نگرش های صحیح و انسانی از پدیده های اجتماعی و بویژه بمنظور دینی سازی حقیقی مفاهیم و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی با طرح ادبیات جدید راهی متفاوت از نظام های سرمایه داری و کمونیستی را در پیش گرفته و با توجه به مورد انتظار بودن ارائه تعریف نو و جامع از توسعه در کنار تعاریف ارائه شده از انقلاب اسلامی و از همه مهمتر به منظور

رهائی از پارادایم های موجود حاکم بر اندیشه بشریت کنونی در باب توسعه، در این مقطع لازم است توسعه بطور روشن، شفاف و جامع و مبتنی بر نگرشهای دینی و برگرفته از هستی شناسی و انسان شناسی دینی تعریف شود.

ممکن است سؤال شود چرا پس از انقلاب و با وجود آنکه قوانین کشور، اسلامی بوده و قانون اساسی بر اساس اسلام ناب پایه ریزی شده است، نتوانستیم توسعه اسلامی را تعریف و پیاده کرده باشیم؟

در پاسخ توجه به موارد زیر لازم است :

اولاً: فقه حکومتی شیعه بطور کامل تدوین نشده و متأسفانه عموماً به حیطة رفتار فردی محدود مانده است و زمان لازم برای سرایت آن به حیطة های اجتماعی وجود نداشته است.

ثانیاً: مراکز علمی و دانشگاهی و حتی مراکز دینی تحرک لازم را در این زمینه نداشته و از این نیاز بسیار مهم نظام غفلت شده است.

ثالثاً: حکومت دینی تجربه ای جدید است و مدیران نظام تجربه لازم را برای این موضوع نداشته اند.

رابعاً: بیشتر توجه تا کنون به جنبه های سلبی حیات اجتماعی و منهیات معطوف بوده است و توجه لازم به ایجابیات نشده است.

خامساً: تلاشهای انجام گرفته برای نزدیک کردن دو حوزه موقتی علوم دینی و دانشگاهی (حوزه و دانشگاه) هنوز به نتیجه نرسیده است.

سادساً: برخی از مدیران در امکان بهره گیری از دین در اداره جامعه دچار تردید بوده و تحت تأثیر آموزه های غربی و در چارچوب نظام های ارائه شده از طرف آنان قرار داشته اند. سابعاً: توطئه های دشمنان و تلاشهای آنان در جهت ناامید کردن، بازداشتن اندیشمندان و مدیران کشور و ناکارآمد نشان دادن حکومت دینی بخصوص با توجه به پیامدهای آن برای نظامهای حاکم بر جهان نقش مهمی در بازداشتن ما از این مهم داشته است.

۲- موضع اسلام نسبت به توسعه

با توجه به تفاوت توسعه در اسلام از جهت مبانی شکل گیری، انگیزه، هدف و پیامدهای آن با

توسعه غربی و نگاه به انسان و جامعه لزوماً باید به تعریفی متمایز از تعاریف موجود از توسعه پرداخته شود و همانگونه که مفاهیم جدیدی مثل مستضعفین، مستکبرین در پرتو انقلاب اسلامی شکل گرفته بایستی از مفهومی تازه و جامع از توسعه گفتگو شود.

اسلام نسبت به توسعه بی طرف و بدون موضع نیست. دلیل اینکه اسلام نسبت به توسعه موضع دارد متعدد است. دلایل کلامی و عقلی محکمی وجود دارد که اسلام نسبت به نظامات حیات بشر بی تفاوت نیست. قرآن کتاب اسلام و برنامه جامع زندگی انسانهاست و رسالت سعادت بخشی انسانها را دارد. قرآن رسالت اقتصادی و در بردارنده نظام اقتصادی ثابت و جهانشمولی می باشد. اگر اسلام نظامات زندگی بشری را متضمن نباشد هرگز انسان را بسوی اهداف مورد نظر خود هدایت نکرده است و رسالت هدایت و معرفت بخشی خود را ایفا نکرده است. اصولاً دین بهترین شیوه و روش زندگی که تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت انسان است، می باشد. (نحو سلوک فی الحیوه الدنیا یتضمن صلاح الدنیا بما یوافق الکمال الاخری) اسلام یگانه دینی است که اساس آئین خود را خیلی صریح و روشن بر پایه اجتماع قرار داده است و در هیچ شأنی از شئون خود درباره اجتماع بی اعتنا نبوده است.^(۳)

اسلام دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی دارد و جز آن را برای سعادت بشر نمی پذیرد.^(۴) از آنجا که نیازهای انسان دودسته ثابت و متغیر می باشد در نتیجه قوانین اسلام نیز به ثابت و متغیر تقسیم می شود. قوانین ثابت همان احکام ثابت برای تأمین نیازهای فطری و ماندگار انسان است که چارچوب اسلامی جامعه را حفظ می کند و ضوابط کلی برای وضع احکام متغیر را ارائه می دهد. قوانین متغیر اسلام احکامی است که بر اساس دگرگونیهای اجتماعی و نیازمندیهای انسان به انواع ابزار و وسایل زندگی و روابط اجتماعی که طی زمان تغییر می کند، شکل می گیرد و از این رو پویائی و شادابی جامعه نیز تضمین و در هر عصری می توان با روش اجتهاد و فقهت و با استفاده از منابع سرشار قرآن، سنت، اجماع و عقل عناصر ثابت را و با همه آنها بعلاوه دانش و تجربه بشری و دیدگاههای تخصصی عناصر متغیر، نظامها و از جمله نظام اقتصادی اسلام را بدست آورد.

اصول اسلامی یا در متن دین آمده است همچون اصل لاضرر و عدم تعاون برائثم و عدوان و اصل لکیلا یکون دوله بین الاغنیاء منکم و یا از مجموعه ادله دینی قابل استنباط هستند

همچون تقدم حق جامعه بر مصالح فرد هنگام تراحم و حرمت احتکار. در هر صورت اسلام نسبت به توسعه بطور کلی مشوق و هدایت گراست. ابواب وسیع فقه که مربوط به زندگی انسان است همچون معاملات و تجارات و صریح آیات قرآن که آباد کردن زمین را بعنوان تکلیف انسانها معرفی می کند (هو انشأکم من الارض واستعمرکم فیها) و دستور به بهره مندی از مواهب طبیعی میدهد (کلوا من طیبات ما رزقناکم - وابتغ فیما آتاک الله الدار الاخره و لا تنس نصیبک من الدنیا) و همچنین صریح روایات فراوان و گسترده مبتنی بر نحوه شکل دهی حیات دنیا (لیس منا من ترک دنیا لدنیه او ترک دینه لدنیه) و موضوعات فراوانی همچون کار، رزق حلال، تقدیر معیشت، رهبانیت، عزت، انفاق و صدها موضوع دیگر همگی دلایل محکمی بر موضع داشتن اسلام نسبت به توسعه است به گونه ای که جای هیچ گونه تردیدی در این مجال باقی نمی گذارد.

۳- تعریف توسعه در دین

در کنار تعاریف متعدد و متنوع توسعه، اندیشمندان مسلمان نیز تلاش نموده اند از دیدگاه اسلام تعریف مناسبی برای آن ارائه دهند. برخی آنان را تحولات کمی و کیفی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه دانسته اند که تعالی و کمال انسان در آن تضمین شده باشد. یا آن را رشد مستمر اقتصادی همراه با تحکیم پایه های معنوی و مادی دانسته اند که در طیف گسترده ای از رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی تا توسعه اخلاق و مذهب بنحوی که اقتصاد را شکوفا کند، تعریف می شود.

بعضی توسعه دینی را فرایند بهره برداری بهینه از تمامی نعمتهای خدا داد در راستای تحول الهی انسان، جامعه و تاریخ دانسته اند.^(۵)

مقاله مبانی ارزشی توسعه را چنین تعریف کرده است :

توسعه دین محور دگرگونی ارادی، فردی و اجتماعی بعنوان یک وظیفه دینی در رابطه انسان با همه موجودات با بهره گیری از راهکارهای تعیین شده از سوی دین و جدیدترین یافته های دانش بشری در مسیر دستیابی به ویژگیهای فرد و جامعه آرمانی پیش بینی شده در متون دینی است.^(۶)

در تعریف توسعه از نظر دین توجه به ویژگیهای توسعه در دین ضروری است.

۱. هدف از توسعه در اسلام همان هدف زندگی انسان یعنی عبودیت و بندگی خداست (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)، هدف تعالی، تکامل و اعتلاء انسانهاست.
 ۲. توسعه و تحولات اجتماعی همراه با تحولات درونی و خلاقیت فردی است و آغاز آن تحولات انسانی است.
 ۳. توسعه یک تکلیف و وظیفه الهی و دینی است.
 ۴. توسعه جامع و همه جانبه و در همه ابعاد حیات بشری است محدود به عرصه اقتصاد یا سیاست یا فرهنگ نمی باشد.
 ۵. توسعه تنها به رابطه انسان با طبیعت محدود نمی شود بلکه توسعه در رابطه انسان با خدا، هموعان و با خویشان است.
 ۶. در کنار هدایت ها و آموزه های دینی در توسعه، از عقل و تجربه و یافته های بشری نیز بهره گیری می شود.
 ۷. شرایط و مقتضیات منطقه ای و زمانی در تعریف توسعه لحاظ می شود.
- با توجه به مقدماتی که گذشت تعریف پیشنهادی برای توسعه حیات طیبه است.

۴- حیات طیبه

این تعریف ناظر به اهداف توسعه و دستاورد آن از منظر دین است. از آنجا که دین توسعه را جهت دار و جهت آن را تعالی انسان می داند و ترقی، رشد، پیشرفت و گسترش ابعاد وجودی انسان را در جهت تعالی، استعلاء و تکامل او می طلبد و رفاه مادی او را با تعالی معنوی او جستجو می نماید، حیات طیبه جامعترین تعریف از این نظرگاه است زیرا حیات طیبه یعنی نظام زندگی آنگاه که همه خیرات و خوبیهائی که انسان به آن علاقمند است، در آن باشد. صفای معنوی، رفاه مادی، امنیت اجتماعی، امنیت روحی، علم، دانش، بینش، تعبد، خلوص، عبادت، رضایت مندی، عزت، کرامت، تعاون، مشارکت، وحدت، عدالت و خلاصه همه آنچه پسند و مطلوب انسان است را دارا می باشد.

از نظر قرآن زندگی دنیا اگر بر اساس ایمان و عمل صالح شکل بگیرد و از آفتهای بی ایمان و فقدان عمل صالح پاک و مبرا شده و انسان آنگونه که خدا می پسندد بزید نوعی از حیات و زندگی در دنیا برای او شکل می گیرد که همه خوبیهها و برکات آسمان و زمین نصیب او

می‌شود.^(۷)

و این دستاورد غیر از نتیجه‌ای است که برای جهان آخرت او وجود دارد.

در سوره نحل آیه ۹۷ چنین آمده است :

«من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحیینه حیوه طیبه و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون^(۸)»

یعنی هر زن یا مردی که عمل صالح و مؤمنانه انجام دهد او را حیاتی ویژه و پاک و دلچسب در دنیا خواهیم داد و پاداش ایشان را در آخرت به نیکوترین وجه عملشان عطا خواهیم کرد. و در سوره رعد آیه ۲۹ میفرماید : «الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب» در این آیه نیز مانند آیه قبل برای مؤمنین با عمل صالح دو چیز یکی طوبی در دنیا و دیگری نیکوئی بازگشت گاه وعده فرموده است که مراد از طوبی همان حیات طیبه در دنیاست. اصولاً تن دادن به دین و پذیرش وحی و رسالت و پاسخ مثبت دادن به دعوت الهی بدنبال خود حیاتی نو و غیر از زندگی قبلی را خواهد داشت و این صریح آیه قرآن است که فرمود :

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و لرسوله اذا دعاکم لما یحییکم»

یعنی «ای مؤمنین پاسخ خدا و رسول را بدهید و آنگاه که شما را برای زنده نمودن و حیات بخشیدن می‌خوانند اجابت کنید». بدیهی است این زندگی، زندگی متفاوتی از زندگی قبلی است که در اثر اجابت خدا و رسول به ما اعطا می‌شود.

واژه طیبه که به معنی دلچسبی، پاکیزگی، پسند طبع بودن، سالم و مفید بودن، پاکی مادی و معنوی و خالی از عیب و نقص و حلال و طاهر بودن است در قرآن وصف مسکن (مساکن طیبه^(۹)) شهر، (بلده طیبه^(۱۰) - البلد الطیب^(۱۱)) باد (ریح طیبه^(۱۲))، فرزندان (ذریه طیبه)، رزق (طیبات ما رزقناکم^(۱۳))، کلمه کلام (کلمه طیبه^(۱۴))، الکلم الطیب^(۱۵) آمده است و همه این موارد اجزاء حیات دنیائی و مربوط به زندگی در این دنیا است و لذا هنگامیکه به عنوان وصف حیات آمده حیات دنیائی مراد است و بنابراین جامعترین هدف توسعه که همانا جامعترین تعریف آن نیز هست حیات طیبه است.

این تعریف علاوه بر جامعیت و گویائی کامل، بومی، قرآنی قابل فهم برای همه، شیوا، جذاب و با منشأ روایی نیز هست، در روایت حیات طیبه را قناعت تفسیر نموده اند و در دعای ابوحمزه نیز چنین می‌خوانیم:

واجعلنی ممن اطلت عمره و حسنت عمله و اتتمت علیه نعمتک و رضیت عنه و احييته
حيوة طيبة في ادوم السرور و اسبع الكرامه و اتم العيش.

طول عمر، حسن عمل، تمام بودن نعمت، رضایت، پاکی، دلچسبی زندگی، دوام و استمرار
خویش، وفور کرامت و عزت و سربلندی، کامل بودن عیش و بهره مندی و مواردی از این دست
که بالاترین و جامعترین شاخصهای توسعه انسانی مورد نظر اندیشمندان نیز هست در این
تعریف وجود دارد.

این تعریف مورد توجه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری نیز بوده و معظم له کراراً از
این واژه مرکب در رساندن مقصود خود از توسعه استفاده کرده و ویژگیهای آن را به تفصیل
بیان نموده اند.^(۱۶)

بعنوان مثال مقام معظم رهبری در مورد زندگی اسلامی، هدف اسلام و مقصود از حیات
طیبه فرموده اند:

زندگی اسلامی یعنی آنچه که در آن هم سعادت دنیاست و هم سعادت عقبی هم رفاه
مادی هست هم تعالی معنوی. همه چیز در زندگی اسلامی و حیات طیبه اسلامی
جمع است.^(۱۷)

ما برادران و خواهران، هدفهایمان روشن است. هدفهای ما در اسلام خلاصه می شود.
اسلام فقط یک اعتقاد نیست. اسلام زندگی طیبه انسانهاست. وقتی ما می گوئیم
حیات اسلامی و نظام اسلامی، یعنی آن نظام و آن حیات طیبه ای که همه خیراتی که
انسان به آنها علاقمند است در آن هست، یعنی صفای معنوی هست، رفاه مادی هم
هست. یعنی امنیت اجتماعی هست، امنیت روحی هم هست. یعنی علم و سواد و
دانش و بینش و تحقیق هست، تعبد و خلوص و توجه به خدا و عبادت هم هست.
این «حیات طیبه» اسلامی است. ما این را می خواهیم تأمین کنیم. اسلام این را به
ما می دهد و اسلام امتحان داده است.^(۱۸)

معنای حیات طیبه این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند و عبادت کنند و اصلاً به
فکر زندگی و مادیات نباشند. بلکه حیات طیبه، دنیا و آخرت و ماده و معنا را با هم
داشتن است.^(۱۹)

«مکتب های مادی تمام همت شان این است که مرتع درست بشود تمام همت این است که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند (آنهایی که راست می گویند). اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست یک مکتب مادی - معنوی است، مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد. معنویت، اخلاق، تهذیب نفس، اسلام برای تهذیب انسان آمده است برای انسان سازی آمده است، همه مکتبهای توحیدی برای انسان سازی آمده اند ما مکلفیم انسان بسازیم»^(۲۰)

بنابراین از نظر قرآن وضعیتی که از حیات و زندگی بدنبال آن هستیم حیات طیبه می باشد. وعده زیبا و امید بخش خداوند به همه مؤمنین چه زن و چه مرد و سنت تخلف ناپذیر الهی در مورد زندگی انسانهای صالح چنین است که اگر عمل مردم، صالح و منطبق بر وحی زمانشان باشد و ایمان نیز به حرم وجودشان راه یافته باشد و بایی ایمانی، نتیجه عملشان را ضایع و حبط نگردانند، نوعی حیات و زندگی برتر که محصول ایمان و عمل صالح است، فرد و جامعه لقاء و ایجاد و افاضه خواهد شد و شکل خاصی از زندگی به همراه آثار حقیقی و عینی مترتب بر آن، در بین مردم به وجود خواهد آمد.

این شکل از حیات که بسیار متعالی تر از حیات متعارف و طبیعی انسانهاست، بدنبال خود علم و قدرتی جدید برای انسانها به ارمغان خواهد آورد و آن ادراک و توان تازه، زمینه شناخت صحیح و معرفت درست انسان را نسبت به حقایق عالم وجود، فراهم خواهد ساخت و حق و باطل را به او می نمایاند و وی را از غفلت رهانیده و به زر و زیور و زخارف فریبنده و گرایشهای منحرف کننده دنیا آشنا کرده و او را از وساوس شیطان و تمایلات نفس نجات می دهد و انسان را به خدا نزدیک و متوجه می گرداند.

این یک حقیقت قرآنی است که در همین دنیا حیاتی خالص و بدون آلودگی و فساد در انتظار مؤمنینی است که در سایه ایمان عمیق خود به عمل صالح پرداخته و با سر سپردن به مکتب انبیاء و حرکت در صراط مستقیم آنان، زمینه سعادت ابدی خود را با تشکیل حیات طیبه ای در محیط خود، فراهم آورند.

حیات طیبه مقصد و مقصود انبیاء و رسولان الهی و دعوت اولیاء و صالحان بوده و هست و زندگی مطلوب و آرمانی ادیان الهی است و خواست آرمانی اسلام و مراد و منظور انسانهای رشد و هدایت یافته است.

در حیات طیبه که به معنی زندگی پاک است، طهارت و پاکی، جمیع شئون انسانها را در برگرفته و اعتقادات و اخلاقیات و اعمال و رفتار مردم تطهیر شده و معارف و مسائل اخلاقی و احکام الهی، مطهر و پاک کننده زندگی انسانهاست و جسم و فکر و عقل و خلق و خو و ارتباطات و معاملات و تدابیر و گفت و شنود مردم، همگی مشمول طهارت است.

حیات طیبه اثر خاص و محصول نوعی زندگی است که در آن التزام و پای بندی به احکام و معارف دین، تحقق عینی و عملی یافته است.

حیات طیبه حیاتی عظیم تر و بسیار با ارزش تر از این حیات معمولی است که صورت ظاهرش جز لهو و لعب نیست. در چنان حیاتی انسانها با نور ایمان و روح بندگی و عبودیت، به سوی الله در سیر و حرکتند. حیات طیبه حیاتی است حقیقی و شریفتر و کاملتر از حیات معمولی که در آن همگان به زیور دین و تقوی آراسته و به برکت ذات شایسته و عمل بایسته خود در زمره صالحان درآمده اند.

حیات طیبه همان شمول و عموم نظام ولایت و امامت است که در غیبت امام زمان (عج) از طریق اجتهاد بر اساس کتاب و سنت توسط فقهای جامع الشرایط و با هدایت و رهبری مجتهدی عادل و با تقوی و آگاه به مسائل زمان و شجاع و مدیر و مدبر، ساری و جاری است و در آن انوار احکام ولایت و فقاقت روشنی بخش زندگی انسانهاست.

جامعه اسلامی در حیات طیبه همان امت وسط است (و کذالک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس) که نه آن طور است که فقط به دنیا و مادیات و جسم انسان توجه و گرایش داشته و همه همت جامعه صرف تحولات مادی و دنیوی و پرداختن به زخارف و زیور و زینت‌های زودگذر حیات فانی باشد و از فضائل معنوی و روحی بی بهره یا کم بهره باشد و نه آن طور که همه کمالات جسمانی و بهره های دنیوی را فراموش کرده و فقط به تقویت جانب روح پردازد، بلکه حیات طیبه، جامعه ای است که دین و آیینی دارد و در پرتو آن به راه مستقیم و طریق وسط (بین ماده و معنی) هدایت شده و هر آنچه را که در کمال و سعادت مادی و معنوی انسان مورد نیاز است آموخته و بدان عمل می کند.

حیات طیبه همان جامعه سالم و متعادل و متناسب و رشد یافته ای است که از افراط و تفریط مصون بوده و مقیاس و میزان و ملاک و نمونه ای برای همه امتهای ملت‌ها و در نتیجه حجت و شهادی بر همه جهانیان است.

در حیات طیبه رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه انقلابی و ارزشهای اخلاقی رواج دارد و عهده دار و اداره کننده همه نهادها و بنیادهای سیاسی و اجتماعی که پایه تشکیل جامعه‌اند، صالحان و متقیان هستند.

در چنین حیاتی از همه علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری بهره گرفته می‌شود و برای پیشبرد آن تلاش و کوشش می‌شود.

و در یک کلمه تدابیر امام (ره) و منویات مقام معظم رهبری (حفظه الله) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تا سر حد مقدرات و زمینه های موجود، جامه تحقق پوشیده و آرمانهای اساسی و اصلی انقلاب اسلامی تحصیل می‌شود.^(۲۱)

پانوشتها

- ۱- مفهوم آسیای جنوب غربی محصول تفکر محققین ایرانی در روابط بین الملل ژئوپلیتیک ایران است در مقابل نظریه خاورمیانه بزرگ.
- ۲- تعامل یعنی ما دور خودمان را دیوار نکشیدیم و محیط درونی و از طریق این ستون ها به فرصت های بیرونی نگاه می‌کنیم.
- ۳- المیزان، ج ۷، ص ۱۵۸
- ۴- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷
- ۵- درآمدی براسلام، توسعه وایران، سلیمان خاکبان، چاپ ۷۵، انتشارات حضور
- ۶- مجموعه گزارشهای همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، هم اندیشی پژوهشگران و نظریه پردازان کشور، مقاله مبانی ارزشی توسعه
- ۷- ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض.
- ۸- سوره نحل، آیه ۹۷.
- ۹- سوره سبا، آیه ۱۵.
- ۱۰- سوره سبا، آیه ۱۵.
- ۱۱- سوره اعراف، آیه ۵۸.
- ۱۲- سوره یونس، آیه ۲۲.
- ۱۳- سوره بقره، آیه ۱۷۲.
- ۱۴- سوره ابراهیم، آیه ۲۴.
- ۱۵- سوره فاطر، آیه ۱۰.
- ۱۶- ر. ک : حیات طیبه، حسن علی اکبری، چاپ ۸۱، نسل کوثر، صفحه ۶۳-۳۰.
- ۱۷- سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و اقشار مردم به مناسبت میلاد حضرت رسول (ص)، ۶۸/۷/۲۶
- ۱۸- سخنان رهبر معظم انقلاب در مراسم شهرهای باختران، اراک، رشت و...، ۶۸/۶/۱۴
- ۱۹- سخنان رهبر معظم انقلاب در مراسم بیعت گروهی از مردم استان یزد، کهگیلویه و بویراحمد، ۶۸/۴/۱۱
- ۲۰- صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۵.
- ۲۱- حیات طیبه، حسن علی اکبری، صفحه ۵۲.